

« نامه ماهانه ادبی ، تاریخی ، علمی ، اجتماعی »

اکنون از معنا

سال پنجاه و دوم

دوره - سی و نهم

شماره - ۴

شماره - چهارم

تیر ماه

۱۳۴۹

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

(سردبیر : محمد وحید دستگردی)

دکتر م . آ . غفور

ترجمه : محمد وحید دستگردی

میراث فارسی بر احجار بنگال

تاریخ زبان ملل با سلسله‌هائی از حوادث تاریخی و مخصوصاً با روابط متغیر میان جامعه‌ها ارتباط پیدا می‌کند . ارتباط تجاری بنگال با ایران از زمانهای پیش از اسلام آغاز گردیده‌است . فعالیت‌های بازرگانی ایرانیان تابدان حد در بنگال توسعه پیدا کرد که ایشان جمعیت مهمی در این شهر تشکیل دادند و آغاز فعالیت کردند .^۱ با آنکه محمد بختیار خالجي بنگال را فتح کرد و او مردی ترك بود لیکن مدیران وقضات و فضلائى كه پس از فتح بنگال قدم در این خطه نهادند ایرانیان بودند .^۲

۱ - هادی حسن ، تاریخ دریانوردی ایران ، لندن ، ۳۵

۲ - جوزجانی ، طبقات ناصری ، کابل ۱۹۶۴ ، ۴۳۲ .

در قرن سیزدهم که اسلام در بنگال برتری سیاسی پیدا کرد، فارسی زبان فرهنگ و ادب در مرقر خلافت مغرب بود. بنگال نیز در کمک کردن بتوسعه زبان فارسی سهمی بسزا داشت. اولین قاموس فارسی در این شبه قاره بنام فرهنگ ابراهیمی در بنگال نوشته آمد. این قاموس بنام شرفنامه شهرت دارد و وجه تسمیه آن مأخوذ از نام مخدوم شرف الدین یحیی مانیار است که مؤلف اثر خود را بروح پاك او تقدیم کرده است. بر اساس شواهد مندرج در کتاب بنظر میرسد که این کتاب در زمان حکمرانی باربک شاه (۸۴ - ۱۴۵۹ میلادی) نوشته شده است. ۱

شرفنامه نه تنها نمودار پیشرفت زبان فارسی در بنگال بلکه در سراسر این شبه قاره می باشد. این کتاب همچنین حاوی اطلاعاتی در مورد فضلاء و شعرای بنگال در زمان مؤلف می باشد.

حکمرانی مغولان باب جدیدی برای توسعه زبان و ادبیات فارسی در بنگال مقتوح کرد. علاوه بر کتبی که در مورد شعر و ادبیات و مطالعات اسلامی نوشته شد، کتبی نیز در مورد ادبیات تاریخی بزبان فارسی در بنگال تدوین گردید. صبح صادق بقلم محمد صادق، بهارستان غایبی بقلم میرزایانسان، تاریخ شاه شجاع بقلم میر محمد و فاتحه عبری بقلم شهاب الدین طالشی از جمله منابع تاریخی هستند که در این دوره در بنگال نوشته شده اند. حتی در طول حکومت شرکت هند شرقی، غلامحسین طباطبائی تاریخی تحت عنوان سیر المتأخرین نوشت. تاریخ بنگال بقلم سلیم الله ریاض السلاطین بقلم غلامحسین سلیم در زمره آناری هستند که در اواخر قرن هجدهم بزبان فارسی نوشته شده اند. ۲

۱ - م. آ. رحیم. تاریخ اجتماعی بنگال، ۱، کراچی، ۱۹۶۴، ۱۲۰.

۲ - م. آ. رحیم، تاریخ فرهنگی و اجتماعی بنگال، ۲، کراچی، ۱۹۶۶،

علاقه مردم مسلمان بنگال بزبان فارسی آنقدر زیاد بود که وقتی در سال ۱۸۳۴ زبان انگلیسی جایگزین زبان فارسی گردید مردم بنگال این تغییر و تحول را با آسانی نپذیرفتند و مسلمانان همچنان بسخن گفتن بزبان فارسی ادامه دادند. در سال ۱۸۸۷، عبدالعلی که مردی فاضل و از اهالی دهکده کوچک شیتاگونگ بود کتابی بزبان فارسی تحت عنوان « صحیفه الامال و مرآة الاحوال » نوشت. نویسنده در مقدمه این کتاب از افول زبان فارسی که بنا بگفته وی، اهالی شیتاگونگ بدان همچون زبان مادری تکلم میکردند، اظهار تأثر و تأسف کرده است. وی بخاطر علاقه ای که بزبان فارسی داشت این کتاب را نوشت و در آن نصایح و پندهای نیکو بفرزند خود کرده است. وی معتقد است که دانستن زبان فارسی موجب رشد شخصیت می شود. ^۱

در این مورد چنین مینویسد :

« زبان فارسی اگر چه در نیولا بدیار اسلام آباد بصفت عنقائی موصوف گردید اما به اعتبار سابق الحال قبل سی سال زبانی بود که همچون زبان مادری مروج براوج کمال ای ریحان باغ زندگی - اگر من پیش تو رخت هستی بندم وصیت من بتو اینست که بفارسی دانی متصف طبع رجوع آوردی .

منظور من از نبشتن این مقاله تعقیب میراث فارسی بر احجار استوار و انهدام ناپذیر بنگال است . سنگ نبشه های بنگال نه تنها اهمیت تاریخی دارند بلکه از نقطه نظر اشکال ادبی و هنری نیز توجه طلاب زبان فارسی را بخود جلب میکند .

قدیم ترین کتبه بزبان فارسی متعلق بسال ۱۴۰۳ / ۷۰۳ می باشد که در زمان شمس الدین فیروز شاه در بنگال نوشته شده است . این کتیبه مربوط به فتح سیلپت در

زمان حکمرانی این پادشاه است . متن سنگ نبشته بشرح ذیل است .^۱

« بعظمت شیخ المشایخ (؟) مخدوم جلال مجرد بن محمد .

اول فتح اسلام شهر عرصه سه ریخت بدست سکندر خان غازی در عهد سلطان فیروز شاه دلوی (سعید) سال ثلث و سبعمائاً این عمارت رکنخان که فتح کننده هشت کامهاریان وزیر و لشکر بوده . شهرها وقت فتح کامرو و کامتا و جازنگر و اریشا لشکری کرده باشند جایجا بدنبال پادشاه . سنه ثمان و عشر و تسعمائه . »

سنگ نبشته‌ای که در درگاه عطا شاه، دیناجپور، پیدا شده شامل نمونه جالبی از شعر و نثر فارسی است . این سنگ نبشته متعلق بدوره سکندر شاه ، سلطان مستقل بنگال (۷۹۲ - ۷۵۹ هجری) است که معاصر حافظ بوده است . پسرش غیاث الدین بوده که به اشتباه گفته‌اند وی حافظ را ببنگال دعوت کرده است . گفته میشود که مخاطب حافظ در اشعار ذیل سلطان غیاث الدین بوده است :

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که بینگاله می رود

حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین غافل مشو که کار تو از ناله می رود

البته تحقیقات اخیر ثابت کرده است که حافظ در این اشعار ، سلطان غیاث محمد ،

پسر عماد الدین احمد ، از سلسله مظفریان در ایران را مخاطب قرار داده است .^۲

شاید حافظ باز که نام بنگال در غزل خود میخواسته است ثابت کند که میان ایران و

۱ - شمس الدین ، سنگ نبشته‌های بنگال ، ۴ ، ۲۵ بنظر میرسد که این سنگ

نبشته ابتدا در سال ۲۰۳ هجری نوشته شده و مجدداً در سال ۹۱۸ هجری قالب ریزی شده است .

۲ - دکتر قاسم غنی ، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ ، ۱ - طهران ، ۲۱ - ۴۲۰

داستان ارتباط سلطان بنگال با حافظ را شبلی نعمانی نقل کرده و ادوارد برون هم این حکایت را در آثار خود آورده است . لکن منابع معتبری در دسترس ما نیست که صحت این داستان را تأیید کند .

بنگال ارتباط نزدیک تجاری در قرن چهاردهم مسیحی برقرار بوده است .
 بهر حال ، این سنگ نبشته اسکندر شاه از آن نقطه نظر مهم است که آنرا می -
 توان مدرك مسلم شعر و نثر فارسی در زمان حافظ دانست . قسمتی از این سنگ
 نبشته نثر و قسمتی نظم است . سبك آن از نقطه نظر زبانشناسی بسیار آراسته و مزین
 بعبارات و اشعار عربی است . متن آن بشرح ذیل است :

درین گنبد که بنیاد عطا یست عمارت خانه کونین بسادا
 ملائک بر ثباتش خوانده تاحشر بنینا فوقکم سبعا شدادا

بعنایت هفت ایوان بدیع که الذی خلق سبع سموات طباقا - تقدست اسمائه
 به اتمام رسید . عمارت گنبد رفیع که نسخه ایست از تخمه سقف جلال - ولقد زینا -
 السماء الدنيا .

بمصاییح - در روضه متبرک قطب الولیا (الاولیاء) (وحیداً المحققین وسراج الحق والشرع
 والدین مولانا - عطا - اعطاء الله تعالی فضیلة فی الدارین بالامر صاحب العهد و زمان
 (الزمان) باعث العدل و الاحسان - حامی البلاد و راعی العباد و السلطان -
 العادل العالم الاعظم ظل الله فی العالمین المخصوص بعنایت الرحمن ابوالمجاهد اسکندر
 شاه بن الیاس شاه السلطان خلد الله ملکه .

پادشاه جهان سکندر شاه که بناهش در دعا سقتند
 نورالله . شانه خواندند خلدالله ملکه گفتند

فی تاریخ خمس وستین و سبعمانه . عمل بنده درگاه غیاث زرین دست ،
 اولین شعر فارسی در آثار کتیبه ای بنگال متعلق بسال ۸۶۱ هجری است . این
 سنگ نبشته در مسجد نارا یا ندیا ، در حومه دا کاکشف گردید و شعر زیر بر آن
 منقور است :

بسم الله الرحمن الرحيم
لااله الا الله محمد رسول الله

شد مزین ببناتك حتى فلاح مسجد این غریب لیل و صباح

مسمات بخت بینت دختر مرحمت در سنه ۱۸۶۱ هـ

شعر دیگری که بر قبر خان جهان، باقرهات، خولنا (پاکستان شرقی) نوشته شده، نمونه از (سبک) نگارش فارسی اعم از نظم و نثر در قرن پانزدهم در بنگال است. متن فارسی این سنگ نبشته مشحون عبارات عربی است:

عربی: هذا روضة مبارکه من رياض الجنة الخان الاعظم خان جهان عليه الرحمة والرضوان تحريراً في ست وعشرين من ذوالحجة منه ثلث وستين وثمانماية .

فارسی: ۱- یاد آورید ای دوستان الموت حق الموت حق .

۲- خار است اندر بوستان الموت حق الموت حق .

۳- مرگست خصمی محکمی پی جمله جانان ذوالیقین

۴- نی همچو دیگر دشمنان الموت حق الموت حق

موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که آثار کتیبه ای مکشوف مدلل میدارند که ایرانیانیکه در بنگال رحل اقامت افکندند شهرها را بنام معروف محلی خود نامگذاری کردند. دثونالا، که محلی در ناحیه رنگپور است، تبریز آباد نامیده شد و این نام را به احترام حضرت جلال شاه تبریزی که گفته می شد مدتی مقیم این محل بوده است برگزیدند. ۱.

در اینجا سنگ نبشته ای بشعر وجود دارد که متعلق بزمان اکبر کبیر است و

۱- متن بزبان عربی و بشرح ذیل است .

قال النبي صلى الله عليه وسلم من بنى مسجداً في الدنيا نبى الله تعالى له سبعين قصرأ في الجنة (بنى) المسجد بقصبة المبارك تبريز آباد ، ،

نمونه‌های از صناعت شاعری در آرزمان است .

این سنگ نبشته در آرامگاه مرد مقدسی بنام بهرام سقا در شهر بردوان . در بنگال غربی نصب شده است .

بهرام سقا ، که این سنگ نبشته بیاد او نوشته شده است ، از ترکان چغتائی بخارا بوده و در زمان حکومت همایون بدین شبه قاره آمده بود . وی بقصد زیارت بمکه ، مدینه و نجف سفر کرده بود . اکبر شاه بوی اعتقاد خاص داشته و او را پیوسته مشمول الطاف بیدریغ خود میساخته بود .

سنگ نبشته حاکی از آنست که مرگ بهرام سقا در سال ۹۷۰ هجری (۱۵۶۲-۶۳ میلادی) اتفاق افتاده است . و متن بشرح زیر است . ۱

یا الله - یا فتاح - یا الله - یا فتاح - یا الله

۱ - لا اله الا الله محمد رسول الله - حقاً .

- ۲ - زهی درویش عالم کشته بهرام که در عرفان دل او بود دریا
- ۳ - ز عالم رفت در راه سرانديب شد از ملك فتنا بهرام دانا
- ۴ - حساب سال فوت آن یگانه ز حق کردیم چون فتحی تمنا
- ۵ - ندا آمد که تاریخ وفاتش بود : درویش ما بهرام سقا

بهرام که بود شهره در سقائی بی حلیه و زرق

بود عالم علم دینی و دنیائی نما خوانده سبق

در نهصد و هفتاد برفت از عالم در کشور هند

زد خیمه بر در یکنای شد واصل حق

گاهی اوقات برای تبیین ماده تاریخ مسجد عبارات استعاری بکار می رود .

مسجد کتب شاهی در پانندوا در بنگال غربی که متعلق به دوره اکبر کبیر است میتواند در این مورد نمونه خوبی باشد ، نبشته روی آن چنین است ^۱

بین نیک این مرغ دائم بصحرا و محتاج

مگر سازد به منقار نسیم دین منظوم

رسیدش از کرم چون مستجابت این تاریخ

به آمد مسجد بنیان حرج بر زیب از مخدوم

بی مناسبت نیست اشعاری را که حاکی از تاریخ ساختمان مسجدی در هاجو ،

آسام است در اینجا ذکر کنیم . این مسجد را لطف الله شیرازی در طول حکومت شاه

جهان در سال ۱۰۶۷ هجری (۱۶۵۷ میلادی) بنا کرده است .

بعهد دولت سلطان عادل

ابوالغازی شجاع الدین محمد

چو لطف الله شیرازی بنا کرد

بدار الامن مشهور ممالک

به هنگامی که رایات عزیزت

مدام این خانه دین باد معمور

ز فیض نعمت اللهی قوی باد

خرد چون سال تاریخ بنا جست

بر ضمائرجویندگان اخبار پوشیده نما ند که این مسجد اعظم در زمان حضرت صاحب

قران ثانی شاه جهان پادشاه غازی کمترین فدویان درگاه مرید و معتقد شاه نعمت الله

لطف الله به اتمام رسید - فی شهر رمضان سنه ۱۰۶۷ ه .

لطف الله شیرازی حاکم کمروپ بود مقرر حکمرانی وی در گاهاتی بود . در اواخر

سال ۱۶۵۲، جنگ داخلی کشور را مورد تهدید قرار داد. علت آن عزیمت شجاع از بنگال بود. در آن وقت میر لطف‌الله فرزندش را فرستاد که غائله را فرو نشاند. اما چون از عهده این کار بر نیامد و برای آنکه از مهلکه جان بدر برد ناچار به داکا رفت.

سنگ نبشته مخدوم‌شاه در شهر راج شاهی از نقطه نظر تاریخ سیاسی و مذهبی زمان بسیار جالب توجه است. علی‌قلی بیگ که این سنگ نبشته را نصب کرده بجای شاه جهان که امپراطور وقت بود خود را فرمانبردار شاه عباس صفوی قلمداد کرده است. دلیل این موضوع کاملاً روشن است. شاه جهان بجهت سیاسی نسبت بشیعیان التفاتی چندان نداشت. در نتیجه اغلب بزرگان شیعه متفرق در شهرهای بنگال، مانند گلی مرشدآباد و داکا ساکن شدند. علی‌قلی بیگ از جمله این بزرگان بود که در شهر راج شاهی اقامت گزید. متن سنگ نبشته بشرح زیر است.

۱- موفق شد بنای گنبد سیدسند مرحوم - مغفور - الواصل الی جوارالله شاه درویش - در سال هزار و چهل و پنج هجری بنوی سعادت نصاب توفیق مآب - زبدة الاثل -
 ۲- والاقران - علیقلی بیگ - غلام عالیحضرة رفیع منزلت - مقرب الحضرت العلیة العالیة - یوسف آقای خواجه سرای دستور السلاطین قانون الخواقین - ذریت سیدالمرسلین - السلطان -

۳- بن السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان لشکرکش ایران - کلب آستان خیر البشر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله.

شاه عباس الصفوی الحسینی رحمة الله و لقیه نفرة و سرورا . غرض نقشیست کز ما یادماند --
 که هستی را نمی بینم بقائی --

اشعار سنگ نوشته خانۀ شاه جلال تبریزی در هادرات پاندنا در بنگال غربی
از نقطه نظر زیبایی زبان قابل توجه است :

یا منعم - وتم - بسم الله الرحمن الرحيم - بالخير - یا منتقم

جلال الدین شده تبریز مولد
برایش چاند خان کرد این عمارت
اگر پر سند که بد جلوه فرما
دهن شست و ستوده همچو ساحر
جوابش در لباس سال و تاریخ
که در مدحش زبان هاشد گهر ریز
که او از عرض اخلاص است لبریز
درین معمار مینا و صفا خیز
پس آنکه بازبان معنی انگیز
بگو : شاه جلال الدین تبریز

از مصرع آخر سال هزار و هشتاد و چهار برمی آید .

گاهی اوقات اشعاری از شعرای معروف ایران روی قبرهای بنگال نقر می شد .

بعنوان مثال شعر زیر در مقبره پری بی بی در داکا دیده می شود :

محمد عربی کابروی هر دو سراسر است
کسیکه خاک درش نیست خاک بر سر او

سراینده این شعر هلالی چغتائی استرآبادیست که از شعرای معروف قرن پانزدهم
بوده است . وی صاحب چندین منظومه است . مرحوم استاد سعید نفیسی دیوان او
را چاپ کرده است . حسین بایقرا و میرعلیشیر نوائی هراتی حامی و مشوق او
بوده اند . این شاعر بفرمان عبیدالله خان ازبک حاکم وقت دراوائل سال ۹۳۶ هجری
در هرات بقتل رسید .

سه بیت شعری که در مدح پیغمبر سروده بشرح زیر است :

محمد عربی کابروی هر دو سراسر است
شنیده ام که تکلم نموده همچو مسیح
کسیکه خاک درش نیست خاک بر سر او
بدین حدیث لب لعل روح پرور او
عجب خجسته حدیث من سگ دراو
که من مدینه علم علی درست مرا

از اشعار جالب توجه دیگریتی از یکی از غزلیات عبدالکدیر است که بر روی قبر پری بی‌بی‌کننده شده و آن بیت چنین است :

غزله از عبدالکدیر :

يك لغز بسیار جالب توجه بشعر فارسی روی سنگ سیاهی بخط زیبای نسخ نقر شده است . در کتاب سنگ‌نبشته‌های مسلمانان بنگال چاپ مولوی شمس‌الدین احمد هیچگونه اشاره به این سنگ‌نبشته نشده است . این سنگ‌نبشته اکنون در موزه ملی پاکستان در کراچی در معرض تماشای بازدیدکنندگان قرار دارد . سنگ‌نبشته مذکور خط نسخ زیبایی دارد . گنج‌کارهای گل مانند فضای میان خطوط را پر کرده‌اند . اشعار این سنگ‌نبشته بشرح ذیل است .

احسنت ای شهنشه آفاق رکن دین	کووارث ممالک سندست و هندوچین
شاهنشهی که ملک بتأیید آسمان	او را رسید از پدر وجد در زمین
و آراستست روی تمامی ملک را	از حسن عهد خویش چور خسار حورعین
در عهد ملک و سلطنت این چنین شهی	دانا و هر زمان همی گوید آفرین
گشت این بلاد خیر که از کهن‌گین بود	در طاق و پیلایه فراوان خلد آفرین

قرائت سطحی این اشعار حاوی اطلاعات تاریخی نیست . معلوم نیست که این سنگ‌نبشته بچه منظور فراهم آمده است . سازنده و تاریخ ساختمان آن نیز معلوم نیست . حتی نام امپراطوری که ممدوح شاعر است مجهول . مهمتر از همه آنکه مبدأ این سنگ‌نبشته آنگونه که در موزه ملی پاکستان ضبط گردیده مشکوک است .

در وهله اول باید ماهیت این سنگ‌نبشته را مورد تحقیق قرار دهیم . آیا مرثیه است یا تذکار ؟ نفرمدیحه روی قبر ابداً مرسوم نیست . کتیبه‌های اسلامی بیشماری در این شبه قاره در اختیار ماست که روی قبور نصب شده‌اند . این گونه کتیبه‌ها شکل و هیئت خاصی دارند بنابر این چنین احتمال می‌رود که سنگ‌نبشته

فوق الذکر از محل اصلی خود برداشته شده و بعداً روی قبر پری بی بی نصب شده است، در اینجا سئوالی پیش می آید دال بر اینکه این سنگ نبشته بجهت موضوعی اشارت دارد. برای پاسخ دادن به این سؤال باید متن آنرا با دید انتقادی تجزیه و تحلیل کنیم این سنگ نبشته پراز استعاره است. آخرین بیت آن در حل این معما ما را کمک میکند.

بیت آخر سنگ نبشته حاکی از آنست که یکی از امپراطوران مغول کاخی یا قلعه‌ای بنا کرده و این کتیبه بعنوان تذکار و یادگار در آن کاخ نصب شده است. نام آن امپراطور چه بوده است؟ تجزیه و تحلیل بیت اول این کتیبه کلید حل این مسأله است. عبارات شهنشاه آفاق و رکن الدین در بیت اول و شهنشهی ملک اورا رسید از پدروجد در بیت دوم و آراستست روی تمامی ملک را در بیت سوم محققاً اشاره بعنوان رسمی امپراطور اورنگ زیب عالمگیر میکند. همانطور که میدانیم عنوان تشریفاتی این امپراطور محی الدین محمد اورنگ زیب عالم گیر پادشاه غازی میباشد.

مشابه این لغزها در کتیبه‌های اسلامی وجود دارند. بهر حال، تجزیه و تحلیل متن کتیبه ثابت کرده که این سنگ نبشته بلا تأمل در عهد حکومت اورنگ زیب عالم، آخرین امپراطور بزرگ مغول فراهم آمده است. چگونگی کشف این در آرامگاه پری بی بی که در داخل قلعه لال باغ قرار دارد حاکی از آنست که این کتیبه راهنگامی که اورنگ زیب نایب السلطنه بنگال بوده و فرمان ساختمان قلعه مذکور را داده روی یکی از دروازه‌های اصلی آن نصب کرده‌اند، ساختمان قلعه در سال ۱۷۷۷ شروع شد اما ساختمان آن با تمام نرسید چون شاهزاده به جنگ بر علیه ما را ساها فراخوانده شد. بنظر میرسد که قلعه لال باغ علاوه بر آنکه اقامتگاه خواب بود حکم زندان هم داشت که عده‌ای انگلیسی در آن تحت مراقبت بودند.

کتیبه جالب توجه دیگر کتیبه ایست که مربوط به فتح شیتا گونگک بوسیله اورنگ

زیب است. این جنگ بر علیه نیروهای متفق بر تقالیه‌ها و آراکانها که قصد داشتند شیتاگونگ شهر ساحلی و تاریخی پاکستان شرقی را اشغال کنند در گرفت .

شایسته خان ، نایب السلطنه بنگال ، نقشه‌ای طرح کرد و فرماندهی قوی را به فرزند ارشد خود ، بزرگ امیدخان سپرد . بزرگ امید خان دشمن را بسختی شکست داد و شهر شیتاگونگ را تصرف کرد . امپراطور از این موفقیت بزرگ نظامی بینهایت خرسند گردید و نام شیتاگونگ را به اسلام آباد تبدیل کرد . برای یادآوری این فتح بزرگ مسجدی روی تپه مرتفعی در داخل شهر باستانی شیتاگونگ بنا گردید و کتیبه‌ای بشعر فارسی و بخط زیبایی نستعلیق در آن مسجد نصب گردید . این کتیبه شامل تاریخ ساختمان مسجد نیز میباشد . متن کتیبه چنین است .

خداوندی سلاطین قدر دیندار	رواج دین پاک مصطفی کرد
خرد گفتا بگو تاریخ تعمیر	به عالم کعبه ثانی بنا کرد ۱۰۷۸
خلیل آسها میون مسجدی ساخت	که از وی رونق دین هدی کرد

نواب امیر الامراء مسجد بنا فرمود

آنچه راجع به میراث ادبی فارسی روی احجار بنگال در بالا مذکور افتاد محققاً موجب خواهد شد که محققان و فضلائى که بیگمان بیش از این بنده نگارنده صلاحیت دارند این آثار هنری و ادبی گرانبهارا که روی کتائب و سنگ نبشته‌ها بر جای مانده مورد تحقیق و تدقیق قرار دهند . آثار بسیاری از شعرا و هنرمندان فارسی روی کتائب شبه قاره هند و پاکستان نقر شده اند . باید مجدداً نه کوشش کنیم و موارد شکوهمند و درخشان گذشته پر عظمت خود را مکشوف داریم .